

به قلم دکتر صغیر احمد
استاد یار بخش عربی و فارسی، دانشگاه کلکته

امیر حسن سجزی و سهات او به ادبیات فارسی

در قرنهای هفتم و هشتم هجری عده ای از شاعران و نویسندگان در هند تولد یافتند
اما کسانی که سایر سخنوران فارسی هند را تحت الشعاع خود قرار دادند و در ادوار بعدی هم
نفوذی دامنه دار در میان شعرای جهان فارسی داشتند، امیر حسن علاء سجزی دهلوی یکی
از آنها است. او در حدود سال ۶۵۱-۶۵۲ هـ ق در شهر بدایون چشم به جهان گشود. بعداً
مولد خود یعنی بدایون را ترک گفته به دہلی منتقل شد و همین دہلی را جای سکونت گزید
چنانکه در قصیده ای که او آن را به مدح سلطان علاء الدین خلجی سروده است می گوید:

بنده حسن بین سال و مه در طاعت این بارگه

از همت والای شه صد گونه آلا داشته

پرورده فضل ایزدش ارشاد غیبی مرشدش

بوده بدایون مولدش دہلی است منشاء داشته

اگر چه مولد و منشای امیر حسن به ترتیب بدایون و دہلی بود اما اجداد او از قبیله عرب بودند

که با مرور زمان اول به سیستان یا بختان و سپس به هند مقیم گشتند☆

بدون تردید امیر حسن از قبیله عرب بود بلکه اگر گفته شود که او از سادات و آل

پیغمبر اسلام بود، بی محل نیست. چنانکه در مورد خود در یک غزل که مقطع اش به این قرار است، می گوید:

آزاد شد دل حسن از بند هر غمی کو بنده محمد و آل محمد است ۲
در جای دیگر در مورد حسب و نسب خود که در واقع دال بر عربی الاصل بودن او

است، این طور می گوید:

خانه بولهب چه جای قرار چو در مصطفی است مستقرم
قرشی الاصل و ہاشمی نسیم کز ہوایش برآمد این شجرم ۳

از احوال زندگانی امیر حسن اطلاعات زیادی به ما نرسیده است حتی این ہم روشن نیست کہ او تحصیلات را کجا انجام داده است و استادانش کہ امیر از آنها کسب فیض کرده است کی بوده اند منتہی از آثار امیر روشن می شود کہ او تحصیلات خود را بہ خوبی انجام داده است و استادانش حتماً ماہرین زمان بوده اند. تذکرہ نویسان اورا در ردیف عالمان و فاضلان عصر شمرده اند. چنانکہ شاہ عبدالحق محدّث دہلوی، مؤلف ”اخبارالاکھیار“ می نویسد: ”اورا در میان فضلائی عصر عزتی و مکانی دیگر بود.“ همچنین ضیاء الدین برنی، نویسنده ”تاریخ فیروز شاہی“ و معاصر و مصاحب امیر حسن، وی را در میان شاعران یگانہ عصر علایی حساب کرده است. ۴ بہ ہر حال امیر حسن پس از تکمیل تحصیلات بہ کار ملازمت پرداخت. در دربار شاہزادہ محمد ملقب بہ خان شہید، پسر غیاث الدین بلبن و فرمانروای ملتان وحامی و قدر دان سخن و سخنوران، سمت دوات داری بہ او تفویض شد ولی چون شاہزادہ محمد در یک جنگ با تاتاریان کشتہ شد امیر حسن بہ دہلی برگشت و مدتی بہ گوشہ

انزو انشت. سپس در لشکرشاهی ملازمت کرد که تا تحت نشینی علاء الدین خلجی ادامه یافت. بعد از تاجگذاری سلطان علاء الدین خلجی دوباره با زارخن و سخنوری رونق بسزایی یافت و امیر حسن بجزی دوباره به دربارشاهی راه یافت.

از نکات مهمی زندگانی امیر حسن یکی این است که او تمام عمر مجرماند. در حال تجرد اکثر اوقات خود را به ظن غالب در عیش و مستی و شراب نوشی می گذارست منتحی در اواخر از منهیات توبه کرد چنانکه خود در یک غزل که مقطع آن به این قرار است چنین میگوید:

ای حسن توبه آنگهی کردی که ترا طاقت گناه نمانده

در این مورد تذکره نویسان نوشته اند که وقتی امیر حسن در حدود پنجاه و شش ساله بود، با دوستان خود بر سر حوض شراب می خورد. از قضا سلطان المشائخ حضرت نظام الدین اولیاء بر آنها گذر کرد و امیر حسن در اوایل عهد خود در بدایون با شیخ نظام الدین اولیاء صحبت آشنایی می داشت. بدیدن شیخ این دو بیت بر زبان راند:

سالها باشد که ما هم صحبتیم گرز صحبتها اثر بودی کجاست

زهدتان فسق از دل ما کم نکرد فسق مایان بهتر از زهد شاست ۶

وقتی شیخ نظام الدین این ابیات را شنید فی الفور فرمود "در صحبت اثرهاست" این سخن در دل امیر چنان اثر کرد که بیدرنگ از آنجا برخاست و خودش را به پای شیخ انداخت و تایب گشت و به حلقه مریدان خاص شیخ نظام الدین اولیاء درآمد.

در سال ۷۲۵هـ، امیر حسن با حوادث غم انگیزی مواجه شد. هر دو مرشد و دوست

اولیٰ شیخ نظام الدین اولیاء و امیر خسرو در ہمین یک سال دارفانی را وداع گفتند۔ این امر موجب رنج و غم بزرگی برای او بود کہ در زندگی خودش دیدہ بود۔ اکنون زندگانیش در دہلی بی رنگ و بی مزہ بود و شاید از ہمین سبب وقتی محمد بن تغلق پادشہ تخت خود را از دہلی بہ دولت آباد (دیوگیر) انتقال داد او نیز ہمراہ با اورفت و بالآخرہ در ہمانجا بعد از چند سال در حدو د ۷۳۷ھ / ۷۳۸ھ درگذشت و بدینگونہ چمن ہند از نواسنجی این بلبل برای ہمیشہ محروم ماند۔

تالیفات امیر حسن: بنا بہ گفتہ ضیاء الدین برنی، ”اور اتالیفات نظم و نثر بسیار است“ اما امروز ہرچہ از جملہ آثار او کہ بہ ما رسیدہ است دیوانی است شامل غزلیات، قصاید، مثنویات، رباعیات و قطعات و غیرہ۔ علاوہ بر این کتابی است در نثر بہ نام ”نوائد الفوائد“ کہ در واقع ملفوظاتی است از شیخ نظام الدین اولیاء و یک رسالہ مختصری بہ نام ”مخ المعانی“ نیز وجود دارد کہ از او بہ یادگار مانده است۔ بعضی از تذکرہ نویسان اظہار نظر کردہ اند کہ بخشی از تالیفات او گم شدہ و عبارت ضیاء الدین برنی کہ در بالا آمد، عقاید تذکرہ نویسان را قوی تر می کند۔

بہ ہر حال ہرچہ کہ از امیر حسن بہ یادگار مانده است حایز اہمیت و گرانقدر است۔ اینک شایستہ است سخنانی مربوط بہ آثار او بہ میان آید۔

آثار منشور اخ المعانی: این کتاب مختصری است در نثر کہ مشتمل بر ۳۶ صفحہ است۔ امیر حسن در آن بخشی آورده است مربوط بہ عشق و آن را بہ طریق تصوف توضیح دادہ است و ہر حرف از عشق عین، شین و قاف را جداگانہ وضاحت کردہ است۔ حسب

معمول کتاب به حمد و ثنای باری تعالی آغاز می شود. سپس از اسرار و رموز عشق بحث شده است. این کتاب مختصری در حقیقت شامل حکایه های پاکیزه ای است که بنا به گمان دکتر شکیل احمد صدیقی، "مح المعانی نیز مثل نواید الفوائد ملفوظات نظام الدین اولیاء است که اودقت و بیوقت در باره عشق می فرمود" ۸ گذشته از این مؤلف در این کتاب مربوط به سماع و عقل و غیره سخن گفته است و عشق را بر عقل مقدم دانسته است. کتاب حاضر مورد پسند شیخ نظام الدین اولیاء واقع شده است و علت این گرایش همان عشق است که جان سالکان طریقت است. امیر حسن در این کتاب میان عقل و عشق مقایسه هم کرده است. عبارت این کتاب ساده و مفهومی است و گاه عبارات را با اشعار آرایش داده است که ویژگی مهمی نثر نویسی آن زمان بود.

۲- نواید الفوائد: این کتاب اصلاً ملفوظاتی است از شیخ نظام الدین اولیاء که امیر حسن آن را جمع آوری کرده است. این کار جمع آوری به تاریخ سوم شعبان سال ۱۰۷۰ هـ شروع شده و مورخ بیستم شعبان سال ۱۰۷۲ هـ به اتمام رسید چنانکه نویسنده در مورد آن خود می گوید:

چون هفصد و نود بیست و دو سال بیستم روز از مه شعبان
از اشارات خواجه جمع آمد این بشارت ده فتوح جهان ۹

بدین ترتیب امیر حسن کتاب مذکور را به مدت بانزده سال جمع آوری کرد.

امیر حسن یکی از مریدان خاص شیخ نظام الدین اولیاء بود. در خانقاه شیخ دست کم یکبار در یک هفته مجلسی تشکیل می شد. امیر حسن به عنوان یک ارادتمند به مجلس شرکت نداشت. در هر مجلس، شیخ نظام الدین حرفهای سودمندی برای مریدان خود به میان می

آورد. این سخنان مربوط به تصوف و اخلاق ساکنان طریقت و واقعات بزرگان وائمه و اصحاب بود. امیر حسن همه آن حرفها را به وقت گوش می داد و هر چه ممکن بود آن را به جنبه به قلم درمی آورد و هر چه که در فهمش نمی آمد آن را دوباره می پرسید. وقتی نظام الدین اولیاء به این امر اطلاع یافت که امیر حرفهایش را به ضبط تحریری آورد خوشوقت شد و هر چه او نمی فهمید برایش توضیح می کرد. امیر حسن تمام کتاب را به همین طریق جمع آوری کرد. شاید به همین جهت ملفوظات حاضر بر تمام ملفوظات دیگر سبقت گرفته و در اهمیت و مقبولیت نتوانست ملفوظاتی به پایه اش برسد. امیر خسرو که از ارادتمندان خاص نظام الدین اولیاء بود به کزات می گفت: "کاشکی تمام کتب که عمر در آن صرف کرده ام برادر حسن را بودی و ملفوظاتی که جمع کرده اوست مرا بودی تا من بدان در دنیا و آخرت فخر و مباهات کردمی" ۱۰
 فواید الفوائد مشتمل بر پنج جلد است و هر جلد شامل چند مجلس است که تفصیل آن به این قرار است:

جلد اول مشتمل بر ۳۴ مجلس است که از ۳ شعبان شروع شده تا ۲۹ ذی الحجه ۷۰۸ هـ به اتمام می رسد.

جلد دوم شامل ۳۸ مجلس است که از ۲۹ شوال ۷۰۹ هـ آغاز شده تا ۱۳ شوال ۷۱۲ هـ تمام می شود.

جلد سوم متضمن ۷ مجلس است. این مجلسها مربوط به درمیان سالهای ۲۷ ذی القعدة ۷۱۲ هـ تا ۲۱ ذی الحجه ۷۱۳ هـ است.

جلد چهارم در بردارنده ۲۷ مجلس است. این مجالس از ۲۴ محرم ۷۱۴ هـ آغاز

شده تا ۲۳ رجب ۱۹۷۱ هـ به پایان می‌رسد.

جلد پنجم که آخرین جلد فواید الفوائد است، مشتمل بر ۳۲ مجلس است. این مجالس

از ۲۱ شعبان ۱۹۷۱ هـ تا ۲۰ شعبان ۱۹۷۲ هـ است.

بدین ترتیب تمام کتاب مشتمل بر یک صد و هشتاد و هشت مجلس است. در این

مجالس، سخنانی که به میان آمده است مربوط به احکامات شریعت مثلاً نماز، روزه، زکوة،

حج، تلاوت قرآن و غیره است و همچنین مسائلی است مربوط به احکامات طریقت که در

آن بیان شده است مثلاً سماع، عشق و عقل، ترک دنیا و غیره. در مذهب سالکان

طریقت سماع و ترک دنیا چه معنی دارد؟ چه نوع سماع حلال و چه نوع حرام است، همچنین

مراد از ترک دنیا چیست؟ هر یک از آنها جداگانه شرح و بسط شده است.

هر چند فواید الفوائد ملفوظاتی است از نظام الدین اولیاء که دستور سالکان

طریقت به شماری رود اما اساس این ملفوظات تنها بر مضامین تصوف نیست بلکه

موضوعاتی است گوناگون از قبیل تفسیر و توضیح از آیات قرآن و کلمات اخبار و غیره،

حکایات خلفاء راشدین و صوفیاء و ائمه، تعلیم و ارشادات مشائخ، تعلیمات اخلاقی، نقش

زندگانی اجتماعی، نکات مسائل باریک و دقیق از تصوف و حل آن. مقایسه در میان عقل

و عشق و احوال بسی از مشائخ بزرگ طریقت و شعرای متصوفه و همچنین بزرگان و رجال

دیگری که مخصوصاً در سده هفتم و هشتم می‌زیستند و مضامین دیگر مانند آنها. بعضی از مضامین

این کتاب تاریخی است و برخی از آن ادبی که اهمیت کتاب را چند برابری کند. عبارت

این کتاب ساده و روان و خالی از تکلف و تصنع است و بنا به گفته دکتر ذبیح اللہ صفا:

”انشای کتاب فصیح و خالی از نقص و متضمن زبان گویا و روشن و روان است و

بهترین هیأت زبان پارسی دری را بدان صورت که در آغاز قرن هشتم در هند شایع بود
نشان می دهد“ ۱۱

اینجا شایسته است اقتباسی از فوائد الفوائد نقل شود که برای ثبوت کافی خواهد بود.
”چهارشنبه هفتم ماه مبارک ربیع سنه مذکور شرف پای بوس میسر شد سخن در مودت یاران
دینی افتاد فرمود که اخوت بر دو نوع است یکی اخوت نسبت است دوم اخوت دین،
ازین دو اخوت، اخوت دین قوی تر است زیرا که اگر دو برادر نسبتی باشند یکی مومن و یکی
کافر میراث برادر مومن به برادر کافر نرسد پس این اخوت ضعیف یافتم. اما اخوت دین
قوی است زیرا که پیوندی که میان دو برادر دینی باشد در دنیا و آخرت برقرار ماند.
درین میان ذکر این آیت افتاد که الاخلاء یومئذ ^{بعضهم لبعض} عدو الا للمتقین فرمود که
یاران که دوستی ایشان یک فسق باشد فردا هم دشمن یک دیگر اند آنگاه این بت بر زبان
مبارک راند:

ترا دشمنانند این دوستان که یارند در بادیه و بوستان ۱۲
در میان آثار منشور امیر حسن سجری که به یادگار مانده است مرثیه ای است در
نثر که او آن را به مناسبت شهادت شهزاده محمد به قلم آورده است.
حادثه شهادت شاهزاده محمد یکی از حوادث دردناک تاریخ شاهان سلطنت دہلی است که
همه را منقلب ساخت. امیر حسن نیز از شهادت حامی خود اثر پذیرفته نما شد و به یاد مرگ
او مرثیه ای نوشت. که مسعود علی محوی مرتب دیوان امیر حسن سجری آن را در دیوانش جمع
کرده است. این مرثیه شامل پنج صفحه است اما خیلی مؤثر است لیکن عبارت این مرثیه

برخلاف عبارات مخ المعانی و نواید الفوائد ساده و زودفهم نیست بلکه مستحجج و مقفی است که سبک خاص آن زمان بود و یا به عبارت دیگر، عبارت این مرثیه تحت تاثیر سبک زمان واقع شده است. مزیت دیگری که در آن جلوه گر است این است که عبارت آن، نثر آمیخته به نظم است. مرثیه مورد بحث به این جهت حایز اهمیت است که نویسنده در آن وقایع جنگ را به تفصیل در آورده است که جنبه تاریخی دارد و اینجا به تقدیم چند سطر از آن که نمونه عبارت مستحجج نویسنده است، مبادرت می شود:

”خدا یگان شیردل شمشیر زن با شمشیری چون عقیدت خود صاف از میان مصاف هر بار که حمله می آورد شمشیر گوی در آن حربگاه بر شمایل آن شاه می لرزید و همه تن زبان شده به اومی گفت که امروز دفع این ملاعین به بندگان دولت حواله کن و به نفس نفیس خود حرکت مفرمای که شمشیر دورویه است و تیغ اجل رازخی بی محابا نتوان دانست که از تقدیر قادر بر کمال به که رسد من از عین الکمال چشم می زنم:

مرو تا خاک تو بر چشم بندم مکن کز چشم بد اندیشه بندم

فلک روی چنان روشن ندیده است من از دیده بر آن آتش سپندم“ ۱۳

آثار منظوم ۱ قطعات و رباعیات و غیره تعداد قطعات و رباعیات بسی زیاد نیست اما هر چه که هست خوب هست. یک قطعه و یک رباعی برای نمونه ذیلاً به ترتیب ذکر می شود:

تیغ ز پی ضبط جهان حجت قطعیت تیری تو بدین قول دهد راست گواهی

دریا به ازل چون صفت تیغ تو بشنود تا حشر ز ره دور نکرد از تن ماهی

ای چتر سپید تو در آیات سیاست بگرفت جهان جمله سپیدی و سیاهی ۱۴



زرخواست بتی که ساعدش سپین است گوئیم کجا است زرخن اندر دین است
 اینک رخ چون زرو سرشک چون سیم هر سیم وزری که هست ما را این است ۱۵
 علاوه بر قطعات و رباعیات در دیوان امیریک ترکیب بند و یک ترجیع بند یا
 فته می شود که دارای مضامین عاشقانه می باشد و اینجا به تقدیم چند شعر از آن مبادرت می
 شود:

در روی مها چو آفتابی در لب صنما چو لعل نابی
 محراب دو ابروی کمانت در مسجد دل کند خرابی
 من با غم و غصه و مشقت تو با می و چنگی و ربابی ۱۶



زلف شور انگیز او با مهر و مه بازی کند چشم سحر آمیز بین با فتنه طنازی کند
 شرح حال بیدلان از غمزه مستش پرس کو بیک دم صد هزاران مکر و غمازی کند
 هر که دید آن طره بر بالای پیشانی چه گفت هندوی آشفته بین تا ترک سر بازی کند ۱۷

۲- مثنویات - مثنوی از برجسته ترین قوالب شعر فارسی به شمار می رود. تعداد ابیات در
 این قالب شعر محدود نیست. برخلاف قصیده و غزل ابیات مثنوی دارای قافیه مستقلی می
 باشند. چون در مثنوی حد ابیات متعین نیست و دوسه بیت هم می توان مثنوی باشد لذا
 اغلب شاعران فارسی که شعر سروده اند در مثنوی سرایی هم طبع آزموده اند.

امیر حسن سجری نیز در این فن طبع آزموده چند مثنوی مهم به یادگار گذاشته

است. مثنویات او بیشتر جنبه‌های تاریخی دارد مثلاً این مثنوی که به این طور آغاز می‌شود:

بیا ای گهر جوی در یای غیب ز درها چه داری برون کن ز جیب
در مدح سلطان علاء الدین خلجی و به مناسبت فتح دیوگیر سروده شده است. در آن نقشی از
احوال جنگ چنین کشیده شده است:

دلیران خود بین به تیغ و به تیر گرفته همه عرصه دیوگیر
از آن فتح هر گه که یاد آیدم زهر فتح بابی کشاد آیدم
به تیغ چو سیماب در روز جنگ نموده همه خاک شگرف رنگ
ز تیغ تو خون سیل زد بر زمین از آن برق باران چه باشد همین ۱۸
مثنوی‌های امیر حسن بیشتر در مدح شاهان و مشایخ مانند علاء الدین خلجی، الخ خان،
شیخ نظام الدین اولیاء نوشته است. مثنوی‌ای که در مدح نظام الدین اولیاء است و بیت
اول آن به این قرار است:

بنامت مهر کردم نامه خود روانی داده در هنگامه خود ۱۹

امیر حسن در آن، مریدان شیخ را نیز ستوده است.

یکی از مثنوی‌های امیر حسن که در آن وی استادی خود را نشان داده است به
عنوان "عشق نامه" معروف است که شاعر آن را در سال ۷۰۰ هجری در یک شب به نظم در
آورد. مثنوی عشق نامه مشتمل بر شش صد و شش بیت است چنانکه در این مورد خود می
گوید:

نمودم اندرین چندان تفکر سواد یک شبه بود این همه در
بسال هفصد این دو شد نموده دو شنبه غره ذوالحجه بوده

مثنوی عشقنامه داستان عشقیه ای است از جوان و دختر هندوی به این قرار که جوانی بود در منطقه ناگور در صهانجا دختری بود زیبا و خوب رو و متزوج. جوان بدیدش خاطر خواه او شد اما دختر از طرف او بی مهری و بی التفاتی نشان داد. جوان که عاشق صادق بود رو به رویش گریه وزاری می کرد و شکایت از بی مهری و بی التفاتی او بهش می کرد اما معشوق به جانب او متوجه نشد. بالاخره این حکایت مخفی نماند تا گروهی از برهمنان به جوان آمد که خویشان و ندان معشوق از طعنه های دوست و دشمن به ستوه آمدند و سخنه را از قضیه اطلاع دادند. سپس عاشق به زندان افتاده شد. یک سال بعد از زندان رهایی یافت. از آنجا رو کرده به معشوق خودش و سر اسراحوال زندان را بهش بازگفت. اکنون دل معشوق هم از طرف عاشق نرم شد و با او صحبت کرد و وعده ملاقات داد اما قبل از اینکه معشوق وعده خود را وفا می کرد و برای عاشق شب وصال میسر می آمد معشوق مریض تب شد و ناگهان درگذشت. وقتی عاشق از این رویداد ناگهانی مطلع شد در حال گریه وزاری بدیدار معشوق آمد. اما وقتی که به ده معشوق رسید، دید که مردمان آماده هستند تا معشوقش را برای سوزانیدن به آتش اندازند. دلش ریخت پائین. او نمی توانست با جدایی را تحمل بکند لذا با وجود جلوگیری مردم خودش را در همان آتش انداخت که معشوقش را می سوزانیدند و بدین ترتیب داستان عشق و عاشقی آنان به اتمام رسید.

داستان عشقنامه جالب و دلچسپ است. سبک امیر در این مثنوی منجم و

ایپاتش شیرین، روان و جاذب و از هرگونه تعقید پاک است. مثنوی به بحر هزج مسدّس مقصوره محذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) سروده شده است. از مطالعات مثنوی برمی آید که امیرحسن عشقنامه را به تقلید خسرو شیرین نظامی گنجوی سروده است چنانکه در جایی خودش را در برابر نظامی کمتر دانسته است و این امر دال بر رای روشن بین اوست:

درین طرز آنچه می ماند تمامی	بنام ایزد چه خوش گوید نظامی
زهی خوش گفتن آن پارسا پیر	لطف در سخن چون شهید در شیر
مرا بنگر ز بی انصافی خویش	گرفته از فضول این پیشه را بیش
چه بی شرمم که این درمی کشایم	چنان گل دیده این گل می نمایم ۲۱

سخن کوتاه اینک مثنوی عشقنامه از حمد و نعت شروع می شود. سپس سبب نظم کردن این داستان بیان شده. اشعار چندی در مدح سلطان علاء الدین نیز یافته می شود و آنگاه داستان اصلی عشقنامه آغاز می شود. اینک به تقدیم چند شعر که شاعر آنرا در وصف زیبایی دختران پری روی که برای آب به چاهی می آمدند، سروده است، مبادرت می شود:

رسیده گرد گردش دختری چند	چو گرد ماه روشن اختری چند
نکو روی میان نیک نامان	همی آمد چو سروی نوبرامان
چو سروی از همه آرایش آزاد	بروکس نازده آسیب جز باد
دو چشمش چون دوترک تیر درشت	دو طره چون دو هندوتیغ در دست
گره بسته برابر وی کمالش	به نزع افکنده عاشق را کمانش

رخی چون مه گلویم آفتابی ازو در هردلی تاریک تابی
 لبی داده به صاحب دولتان رنگ دهن چون روزی محنت کشان تنگ
 چون آمد سوی جان چشمه نور برین شکلی که گفتم چشم بد دور ۲۲
 ۳- قصاید کسی گفته است و چه خوب گفته است:

در شعر سه تن پیبرانند هر چند که لایحی بعدی
 ابیات و قصیده و غزل را فردوسی و انوری و سعدی

اگرچه در شریعت سخن انوری را به عنوان پیغمبر قصیده شناخته اند اما بنا به گفته
 بعضی تاج تکمیل این شریعت بر سر خاقانی است و شاید به همین علت با وجودیکه شیوه
 اش خیلی دشوار است باز هم شیوه اش مورد پسند بسیاری از شاعران بعد واقع شده است.
 امیر حسن سجری دهلوی هم یکی از جمله قصیده سرایان بعد است که قصیده خود را بیشتر در تنبیح
 خاقانی ساخته است.

در دیوان حسن تعداد قصاید ۱۶۱ هست که اغلب آن از لحاظ ابیات مختصر است و
 تمام ممیزات قصیده را ندارد. از این نظر نباید آن را قصیده نامید لیکن بعضی که در تنبیح
 استادان قصیده سروده است از نظر ابیات هم و از لحاظ خصوصیات و ممیزات هم باید در
 ردیف قصیده های مهم فارسی شمار کرد.

قصاید امیر حسن بیشتر در مدح نظام الدین اولیاء، سلطان علاء الدین خلجی،
 الماس بیگ ملقب به الخ خان، خضر خان پسر علاء الدین، شادی خان و مبارک خان

و غیره است.

قصیده های امیر حسن که از لحاظ ابیات مختصر است رنگ غزل بر آنها غالب است اما قصایدی که در پیروی خاقانی سروده است به معنی مصطلح و بیژ گیهای قصیده را دارد
مثلاً

قصیده ای که به مطلع زیر آغاز می شود:

شمی که ممد من بود فیض فضل خدا بداشت یک نفسم از غرور نفس خدا ۲۳۱

در جواب قصیده خاقانی که به مطلع زیر آغاز می شود:

عروس عافیت آنکه قبول کرد مرا که عمر پیش بهادادش بشیر بهما ۲۳۲

قصیده مذکور از امیر حسن طویل ترین از جمله قصاید اوست. این

قصیده دارای هفت مطلع می باشد و در آن موضوع بهار، صبح و شب، پند و اندرز و نعت و غیره را در سلك ابیات کشیده است:

قصیده دیگری که باید آنرا از مهمترین قصاید امیر حسن شمار کرد به مطلع زیر

آغاز می شود:

عید است و اسباب طرب یک یک مهیا داشته

می از طراوت کرده گل مجلس مطرا داشته

قصیده مذکور در مدح سلطان علاء الدین خلجی است. این قصیده نیز در تنبیح

قصیده خاقانی است که به مطلع زیر شروع می شود:

دور فلک ده جام را از نور عذرا داشته

چون عده داران چارمه در طاومی وا داشته ۲۵

امیر حسن در قصیده خود مانند خاقانی زور طبع را صرف کرده است. زور الفاظ، حسن تراکیب، پیوستگی جملات از مزایای مهم این قصیده است. از مزایای قصاید امیر حسن یکی این است که قصایدش معمولاً از مبالغه پاک است. وی در قصاید همان اوصاف را بیان می نماید که ممدوحش با آنها متصف می باشد مثلاً دلاوری و شجاعت و استعداد جنگ که علاءالدین خلجی داشت از آن هر کس و ناکس اطلاع می دارد. وی بدون شک و تردید در کارهای کشور داری و مملکت نابغه زمان بوده و قلمرو سلطنت را طوری بسط داد که قبل از او کسی از شاهان مسلم نتوانست بکند لذا وقتی امیر حسن در مدح او چیزی می گوید معلوم می شود که از قلمش همان صفات بر آمده که ممدوحش می داشت. اینجا برای نمونه چند شعر در زیر نقل می شود:

ای رای تو خورشید را اندر علو خورشید سا

خورشید آن خورشید را طاعت تو حر با داشته

درگاه تو چون آسمان شد قبله اهل زمان

من جاهان دارم آن حاجب مسیحا داشته

ذات جهانگیر تو شد بخت ممالک را پنه

ماند عدو در مانگه چون رخ به هیجا داشته

ای بنده خلقت سمن تازه به عدل تو چمن

گل در ثنای تو چو من ترتیب اجزا داشته

ششیر تو آتش نشان چون اژدها آتش فشان

در جوی جای سرکشان آب مجرا داشته ۲۶

بہ ہر حال امیر حسن آثار خود را در ہر دو دستہ نظم و نثر دارد. وی را جزء شاعران برجستہ و نویسندگان مبرز محسوب کرد اما شہرت او بیشتر بہ جہت غزلسرای او است. در غزل بہ خاطر نزدیکی او با سعدی، وی را ”سعدی ہند“ عنوان می کنند. این یک بحث طولانی است کہ مقالہ جداگانہ ای نیاز دارد و احاطہ آن در این مقالہ ممکن نیست.

فہرست ماخذ و منابع

- ۱- دیوان حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲، ص ۵۳۳
- ☆ برای تفصیلات رجوع شود بہ دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی.
- ۲- دیوان حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲، ص ۳۹
- ۳- دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی، ص ۲۵
- ۴- رجوع شود بہ دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی، ص ۷۲
- ۵- دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی، ص ۶
- ۶- همان، ص ۶
- ۷- تاریخ فیروز شاہی، ضیاء الدین برنی مرتبہ سید احمد خان، کلکتہ، ۱۸۶۲، ص ۱۳۱
- ۸- امیر حسن سجزی دہلوی حیات اور ادبی خدمات، محمد شکیل احمد صدیقی، نامی پریس، لکھنؤ، ۱۹۷۹، ص ۲۹۲
- ۹- نواید الفوائد، با ترجمہ اردو از خواجہ حسن ثانی نظامی اردو اکادمی دہلی، ۲۰۰۱، ص ۲۲۰

- ۱۰۔ دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی ص ۴
- ۱۱۔ تاریخ ادبیات در ایران، ص ۱۲۳۶ تا ۱۲۴۷
- ۱۲۔ فواید الفوائد، با ترجمہ اردو از خواجہ حسن ثانی نظامی اردو اکادمی دہلی، ۲۰۰۱ء ص ۱۳۹ تا ۱۴۸
- ۱۳۔ دیباچہ دیوان حسن سجزی دہلوی، مسعود علی محوی، ص ۱۳۳
- ۱۴۔ دیوان امیر حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲ء، ص ۸۱۵
- ۱۵۔ همان، ص ۸۲۳
- ۱۶۔ دیوان حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲ء، ص ۴۰۳
- ۱۷۔ همان، ص ۴۰۵
- ۱۸۔ همان، ص ۵۶۱
- ۱۹۔ امیر حسن سجزی دہلوی حیات اور ادبی خدمات، محمد شکیل احمد صدیقی، نامی پریس، لکھنؤ، ۱۹۷۹ء، ص ۳۵۳
- ۲۰۔ دیوان حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲ء، ص ۶۲۲
- ۲۱۔ همان، ص ۶۲۲
- ۲۲۔ همان، ص ۵۹۸
- ۲۳۔ همان، ص ۴۳۳
- ۲۴۔ امیر حسن سجزی دہلوی حیات اور ادبی خدمات، محمد شکیل احمد صدیقی، نامی پریس، لکھنؤ، ۱۹۷۹ء، ص ۳۲۲
- ۲۵۔ همان، ص ۳۲۲
- ۲۶۔ دیوان حسن سجزی دہلوی، مرتبہ مسعود علی محوی، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۵۲ء، ص ۵۴۲

